

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۰۱ نومبر ۲۰۲۲

سرکوب سیستماتیک زنان از تحمیل حجاب تا اسیدپاشی و قتل‌های زنجیره‌ای زنان!

با وجود سرکوب‌های شدید و خونین و تهدید مداوم مردم از سوی نهادهای امنیتی حکومت اسلامی، اعتراضات مردم همچنان با قدرت بیشتری ادامه دارد. روز شنبه ۳۰ مهرماه با وجود این‌که مقامات امنیتی حکومت ادعا کرده بودند که اعتراضات آرام‌شده و تحت کنترل در آمده مردم در شهرهای کشور به خیابان‌ها آمدند و علیه علی‌خامنه‌ای و حکومت اسلامی شعار سردادند دانشجویان دانشگاه‌ها، همواره با متجاوزان حکومتی به محیط دانشگاه سخت درگیرند و اعتصابات کارگری در حال گسترش است. در خارج کشور نیز تظاهرات ده هزار نفری برگزار می‌گردد. با این وجود، سران و مقامات سیاسی و نظامی حکومت، سعی دارند با ادعاهای دروغین و آدرس‌های غلط و وابسته کردن انقلاب کنونی مردم به آمریکا و غیره نقش مردم را کم‌رنگ کنند.

حدود شش هفته پس از آغاز خیزش سراسری در ایران می‌گذرد و عملاً می‌بینیم که سرکوب و کشتار و این همه وحشی‌گری‌های ماموران حکومتی، مردم به خانه‌هایشان برنگشته و برعکس، هر روز بیشتر از روز قبل، ابعاد این اعتراضات و اعتصابات وسیع‌تر و گسترده‌تر و اجتماعی‌تر می‌گردد.

در این میان، سران و مقامات حکومت به لکنت زبان و تناقض‌گویی افتاده‌اند. علی‌بهادری جهرمی سخنگوی دولت حکومت اسلامی، می‌گوید: «کشور بیش‌تر از یک ماه درگیری حوادثی شده که عملیات برنامه‌ریزی شده دشمن است». همچنین سیدمحمود حسینی‌پور استاندار مازندران اول آبان در یک جلسه کاری گفته «خبر دارم که برخی مدیران نشستند و تحلیل کردند که آینده چه اتفاقی می‌افتد و خواهد افتاد؛ همه اعم از اصلاح‌طلب و اصول‌گرا گوش‌ها را باز کنند تا اگر کسی تصور این است اتفاقی برای ایران بیفتد بداند دشمن اول از همه با او کار دارد و تصور نکند با او کاری ندارد بلکه قبل از همه او را بالای دار می‌فرستند».

علیرضا عباسی نماینده کرج در مجلس شورای اسلامی، درباره خیزش سراسری ضدحکومت گفته «دشمن در صدد حذف رهبری است چرا که محور وحدت بوده و دولت‌ها را از بزنگاه‌های حساس نجات داده است». او همچنین ادعا کرد: «بر اساس شاخص گرسنگی، اسپانیا و انگلیس از نظر فقر وضعیت بدتری نسبت به ایران دارند».

حکومت اسلامی ایران، تنها حکومت جهان است که در خصوص‌ترین امر انسان‌ها، حتی ابتدایی‌ترین حقوق زنان دخالت دارد و امر و نهی می‌کند که آنان چه نوع و چه رنگ لباسی بپوشند. جرایم سنگینی نیز برای زنانی که حجاب اسلامی اجباری حاکمیت را رعایت نکنند در نظر گرفته شده است.

تنها ۲۴ روز پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ مردم ایران گذشته بود و یک روز مانده به روز جهانی زن و زمانی که حتی قانون اساسی حکومت ایران وجود نداشت، به دستور آیت‌الله خمینی، بیان‌گذار و رهبر حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی، زنان از ورود بدون حجاب به ادارات دولتی منع شدند. هرچند هزاران زن در تهران در اعتراض به این دستور روزها متمادی دست به تظاهرات و تحصن زدند، اما در نهایت حجاب اسلامی رفته‌رفته و تا سال ۱۳۶۰ کاملاً اجباری و ابتدا در سال ۱۳۶۲ در قانون تعزیرات به‌عنوان یک جرم تثبیت شد. به این ترتیب، ایران نخستین کشوری در جهان است که در آن تمامی زنان طبق قانون مجبور به رعایت حجاب شدند.

اکنون به‌دنبال کشتن مهسا امینی (ژینا) توسط پلیس گشت ارشاد حکومت، اعتراض و اعتصاب‌هایی که در سراسر ایران راه افتاده و بلافاصله به همه قاره‌های جهان نیز کشیده شده است زنان اولین خشم خود علیه حکومت اسلامی زن‌ستیز و آزادی‌ستیز را با برداشتن حجاب اسلامی و آتش‌زدن آن‌ها در خیابان‌ها آغاز کرده‌اند. هر چند که مطالبات زنان بی‌شمارند و در این ۴۳ سال، روی هم انباشته شده‌اند.

انتشار تصاویر و ویدئوهای برداشتن حجاب اجباری توسط زنان در ایران همچنان در شبکه‌های اجتماعی ادامه دارد. زنان در کارزار «نه به حجاب اجباری» و «حجاب بی‌حجاب» عکس‌ها و فیلم‌هایی از خود می‌گیرند و انتشار می‌دهند تا اعتراض و مخالفت خود را با اجباری بودن حجاب نشان دهند و بر حق خود مبنی بر انتخاب پوشش تاکید کنند. سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور امروز چهارشنبه ۲۲ تیرماه در حاشیه جلسه هیات دولت در واکنش به اعتراض زنان علیه حجاب اجباری، کشف حجاب‌کنندگان را وابسته به جریان‌های خارج کشور خواند که از این راه با اسلام و نظام اسلامی مقابله می‌کنند.

وزیر کشور که دستور اجرای طرح «عفاف و حجاب» را به استانداری‌های سراسر کشور صادر کرده، گفت: «این‌که عده‌ای در خارج بنشینند که معمولاً هم به دستگاه‌های اطلاعاتی خارجی وصل هستند- و بعضاً هم این امر معلوم شده است- بخواهند برای داخل تعیین تکلیف کنند، آنهم در یک مسئله با این اهمیت، قابل‌قبول نیست.»

وحیدی از کسانی که با فضای مجازی سر و کار دارند، خواست: «تحت تاثیر این القائات سوء قرار نگیرند که غالباً هم قرار نمی‌گیرند. اما عناصر محدودی هم اگر تحت تاثیر قرار گرفتند، طبق وظایف قانونی، دستگاه‌های مربوطه به آنان تذکراتی می‌دهند که آنان هم حتماً باید این تذکرات مد نظرشان باشد و به آن عمل کنند.»

وزیر کشور حکومت اسلامی که از متهمان عملیات تروریستی مرکز یهودیان در آرژانتین است، در مورد آنچه «انتشار عامدانه تصاویر کشف حجاب در فضای مجازی که با تحریک افرادی خارج‌نشین انجام می‌شود»، تصریح کرد: «بعضی از این موارد اصلاً مربوط به داخل نیست و از خارج حمایت و اداره می‌شود و طبیعتاً آنان قصدهای نامطلوبی دارند و به دنبال تحمیل یک فرهنگ غلط و منحط هستند و این را راه مقابله با اسلام و نظام اسلامی قرار دادند و طبیعتاً اینها مواردی است که قابل‌قبول نیست.»

عباس محمدحسینی رییس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش حکومت اسلامی نیز حجاب اسلامی را «خاکریز اول» نظام خوانده و هشدار داده بود که چنانچه این خاکریز شکسته شود دیگر خاکریزها نیز از دست خواهند رفت. رییس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش گفته است: «باید نسل جدید را اقناع کنیم که حجاب مهم‌ترین عامل مقابله با جنگ نرم دشمن است.»

ابوالفضل شکارچی سخنگوی ارشد نیروهای مسلح حکومت اسلامی هم برای این‌که از هم‌فکران مرتجع خود علیه حق پوشش اختیاری زنان عقب نماند، دیروز در مراسمی به مناسبت روز حکومتی «عفاف و حجاب»، کسانی را که به

تعبیر وی «بدحجاب» هستند و به ویژه هنرمندان و فیلم‌سازانی را که از حجاب اسلامی پیروی نمی‌کنند «لشکریان شیطان» لقب داد!

شکارچی در سخنانی تند و هماهنگ با زبان و بیان و ادب واقعی حکومت اسلامی، گفت که مخالفان حجاب اجباری «وقیحانه با موضوع محاربه می‌کنند که درواقع محاربه با حجاب، محاربه با قرآن و امر به معروف و نهی از منکر است.»

دبیر ستاد امر به معروف قم نیز گفته است: «هرکسی که قصد تعرض به حجاب داشته باشد، قلم پایش را خُرد می‌کنیم!» وی ادامه داده است: «مگر مردان ما مرده باشند که اجازه دهند از سر زنان چادر و روسری کشیده شود.» این در حالی‌ست که زنان و دختران در این ۴۳ سال گذشته، برخورد خشونت‌آمیز، اسیدپاشی، کشتن، کتک، شلاق و تحقیر و توهین و بازداشت و زندان را برای رعایت حجاب اسلامی تجربه کرده‌اند.



از روی که حکومت اسلامی با سرکوب خونین انقلاب ۵۷ مردم ایران به قدرت رسید شاید اولین اقدام تبهکارانه‌ای، تحمیل حجاب اجباری اسلامی بر زنان بود و این اقدام تا این جا محدود نماند و از اسیدپاشی بر صورت زنان به اصطلاح «بدحجاب» در خیابان‌ها و کشتن زنان در مشهد و...، ادامه یافت.

در واقع می‌توان گفت حجاب اسلامی اسم رمز سرآغاز خانه‌نشین کردن نصف جمعیت ایران و بی‌حقوق کردن آنان و استثمار شدید نیروی کار زنان بود.

هنگامی که بدانیم ۳۰۰۰ وظیفه ایجابی بر عهده ۲۶ دستگاه اجرایی گذاشته شده تا حجاب و عفاف را در جامعه تقویت کنند؛ شاید به عمق سرکوب سیستماتیک زنان پی ببریم.

یکی از راهکارهای گسترش سرکوب زنان تحت عنوان «فرهنگ عفاف و حجاب»، مصوبه ۴۲۸ است که در تاریخ ۱۳ دی ۱۳۸۴ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. بر اساس این طرح ۲۶ وزارتخانه، سازمان و دستگاه اجرایی موظف شدند برای گسترش فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه اسلامی وارد میدان شوند. در این میان سازمان صداوسیما با ۳۱ وظیفه برای گسترش فرهنگ حجاب و عفاف در راس قرار دارد و بعد از آن به ترتیب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت آموزش و پرورش و نیروی انتظامی هرکدام با ۲۱ وظیفه، سازمان تربیت‌بدنی با ۱۸ وظیفه، وزارت علوم و وزارت بهداشت با ۱۷ وظیفه، سازمان جوانان با ۱۴ وظیفه، وزارت بازرگانی با ۱۳ وظیفه،

سازمان تبلیغات اسلامی با ۱۲ وظیفه، وزارت کشور، ستاد امر به معروف و نهی از منکر و سازمان میراث فرهنگی هرکدام ۱۱ وظیفه، وزارت امور خارجه و شهرداری با ۱۰ وظیفه، وزارت مسکن و سازمان مدیریت و برنامه ریزی با ۹ وظیفه، وزارت ارتباطات با ۸ وظیفه، وزارت راه و مجلس شورای اسلامی با ۷ وظیفه، نیروی مقاومت بسیج و مرکز زنان و خانواده با ۶ وظیفه. سازمان بهزیستی، وزارت کار و قوه قضاییه هرکدام با ۵ وظیفه را بر عهده دارند. اما گذشته از این راهکارهای کلی، در این مصوبه ۲۶ دستگاه قانونگذار و اجرایی موظف شده‌اند که وظایف تخصصی را در این مورد اجرا کنند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت بازرگانی، سازمان صدا و سیما، نیروی انتظامی، سازمان ملی جوانان، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت علوم، مرکز امور زنان و خانواده، وزارت ارتباطات، سازمان تربیت بدنی، شهرداری، وزارت بهداشت، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، سازمان بهزیستی، وزارت امور خارجه، وزارت کار و امور اجتماعی، مجلس شورای اسلامی، وزارت کشور، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، قوه قضاییه، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، نیروی مقاومت بسیج و وزارت راه و ترابری، ۲۶ دستگاهی هستند که از سال ۱۳۸۴ تاکنون موظف شده‌اند تا وظایفی را شورای فرهنگ عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی برای آن‌ها تعیین کرده است، اجرا کنند.

در روزهای نخست سرنگونی حکومت پهلوی و آغاز تهاجمات وحشیانه گروه‌های مذهبی طرفدار خمینی به دستاروهای این انقلاب، زمره‌های اجباری شدن پوشش اسلامی زنان در مکان‌ها و معابر عمومی نیز در روزنامه‌های سال ۱۳۵۷ آغاز شد و نخستین زمره‌های لزوم پوشش اسلامی برای زنان ایران، در اسفند سال ۱۳۵۷ یعنی کمتر از یک ماه پس از انقلاب شنیده شد.

این در شرایطی است که کمتر از دو سال بعد یعنی از ۱۴ تیرماه ۱۳۵۹، ورود زنان بی‌حجاب به اداره‌های دولتی نیز ممنوع شد، تا این‌که از ابتدای دهه شصت حفظ حجاب و پوشش اسلامی در ایران به شکل فراگیر همگانی شود. روزنامه اطلاعات در شماره ۱۵ اسفند ۱۳۵۷ به انتشار سخنرانی آیت‌الله خمینی که در مدرسه فیضیه قم و درباره حدود حجاب انجام شده بود، پرداخت. این گزارش کوتاه با تیتر «زن در اسلام، حق طلاق دارد» منتشر شد. آیت‌الله خمینی در این سخنرانی گفته بود: «زنان اسلامی باید با حجاب بیرون بیایند نه این‌که خودشان را بزک کنند. کار در ادارات ممنوع نیست اما باید زنان با حجاب اسلامی باشند.»

خمینی، همچنین در این سخنرانی گفت: «به من گزارش داده‌اند که در وزارتخانه‌ها زن‌های لخت هستند و این خلاف شرع است...»

در فردای این روز یعنی ۱۶ اسفند ۱۳۵۷ نیز روزنامه اطلاعات خبری را در صفحه یک خود منتشر کرد که تیتر آن بود: «نظر امام درباره حجاب زنان»

بر اساس این خبر آیت‌الله خمینی در یک سخنرانی دیگر در شهر قم گفته بود که زن‌های اسلامی عروسک نیستند و کار کردن آنان باید با حجاب اسلامی باشد.

اما تنها یک روز از اظهار نظر صریح آیت‌الله خمینی در باره ضرورت حفظ حجاب در مکان‌های دولتی نگذشته بود که روزنامه اطلاعات تیتر یک شماره ۱۷ اسفند خود را به انعکاس سخنان او درباره حجاب اختصاص داد.

تیتر یک روزنامه اطلاعات در این روز این بود «انعکاس وسیع نظر امام در مورد حجاب اسلامی»

در صفحه نخست، روزنامه اطلاعات به نقل از شیخ شهاب‌الدین اشراقی داماد خمینی و در پاسخ به این‌که برخی، با زنان بی‌حجاب برخورد‌های تنیدی می‌کنند و آیا نظر امام به این شدت است، نوشت: «باید قوانین اسلام مو به مو به قدر

امکان اجرا بشود... معنای حجاب اسلامی هم چادر نیست. خواست امام خمینی این است که حجاب اسلامی باید در مملکت رعایت شود و خانم‌ها رعایت حجاب اسلامی را بکنند... معنای این که خانم‌ها حجاب اسلامی داشته باشند، هیچ گونه تزویدی برای آن‌ها نیست. این یک حکمی است که رعایتش بر عهده خود خانم‌هاست.»

روزنامه اطلاعات در گزارش بلند ۱۷ اسفند خود همچنین خبر از برپایی تظاهرات اعتراضی علیه حجاب اجباری داد. این روزنامه نوشت که صبح روز هفدهم ابتدا در دانشکده فنی دانشگاه تهران و پس از آن در خیابان آزادی، کمیته برگزاری روز جهانی زن در اعتراض به حجاب اجباری مراسمی را برگزار کرد. به گزارش روزنامه اطلاعات گردهمایی اعتراضی زنان با دخالت مدافعان حجاب اجباری به خشونت کشیده شد. همچنین به نوشته این روزنامه در این روز بسیاری از دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های تهران در مدرسه‌ها و خیابان‌های پایتخت دست به اعتراض و راهپیمایی زدند.

روز شنبه و پس از اعتراض بسیاری از زنان در شهرهای بزرگ ایران روزنامه اطلاعات در شماره روز ۱۹ اسفند خود، اطلاعیه‌ای دفتر آیت‌الله خمینی را منتشر کرد.

در این اطلاعیه آمده بود: «بر اساس خبرهای رسیده، گروه‌های جنایتکار و خیانت‌پیشه تحت عنوان کمیته، مزاحم بانوان محترم شده و به ایشان توهین می‌کنند. ماموران کمیته‌های انقلاب موظفند با کمال دقت مراقب باشند و چنین اعمالی را با نهایت شدت جلوگیری کنند...»

روزنامه اطلاعات، همچنین در شماره روز ۱۹ اسفند خود خبر داد که صادق قطب‌زاده از نزدیکان آن هنگام آیت‌الله خمینی در یک سخنرانی در ساختمان رادیو تلویزیون گفته که «اسلام هیچ وقت در مورد حجاب به زور و تحمیل متوسل نمی‌شود و در اسلام اصلاً زور وجود ندارد. وظیفه اسلام ارشاد مردم از طریق توصیه و نصیحت است.» قطب‌زاده در سخنرانی خود گفت: «توصیه امام در مورد حجاب نه تنها یک مسئله فقهی که یک امر انقلابی است و زور در آن نیست... آن‌هایی که مزاحم زنان می‌شوند به اسلام و نهضت خیانت می‌کنند.»

به نوشته روزنامه اطلاعات پس از این واکنش‌های احتیاط‌آمیز به منتقدان حجاب اجباری، در صبح همین روز یعنی ۱۹ اسفند، زنان در دادگستری تهران تجمع اعتراض‌آمیزی علیه حجاب اجباری برگزار کردند که در ادامه جمعی از کارکنان زن رادیو تلویزیون ایران نیز به تجمع کنندگان پیوستند.

این تجمع نیز با دخالت عناصر تندرو موافق حجاب اجباری به درگیری کشیده شد. افراد تندرو مدافع حجاب شعار می‌دادند «یا روسری، یا تو سری!»

به گزارش روزنامه اطلاعات در تجمع زنان مخالف حجاب اجباری، قطع‌نامه‌ای با ۸ بند صادر شد. در این بیانیه عنوان شد: «زنان هم وظایف اجتماعی خود را انجام می‌دهند و پوشش متعارف زنان باید با توجه به عرف و عادت به تشخیص خود آن‌ها واگذار شود.»

در این تجمع هما ناطق، استاد دانشگاه نیز بیانیه‌ی سازمان ملی دانشگاهیان را خواند که در آن آمده بود: «ما مخالف حجاب نیستیم، بلکه مخالف تحمیل آن هستیم...»

تیتیر اول روزنامه اطلاعات در ۲۰ اسفند ۱۳۵۷ به نقل از آیت‌الله محمود طالقانی این بود: «در مورد حجاب اجبار در کار نیست.»

به گزارش روزنامه اطلاعات آقای طالقانی در گفت و گو با رادیو و تلویزیون ایران گفت: «حجاب اسلامی حجاب شخصیت و وقار است و هیچ اجباری هم در مورد آن در کار نیست. مسلماً نظر امام هم به مصلحت زنان ما و هم خواهران و دختران ماست و هم مطابق با موازین اصول دین مبین اسلام است... حجاب ساخته‌ی من و فقیه و این‌ها هم

نیست، نص صریح قرآن است. آیه حجاب برای شخصیت دادن به زنان است... آیا این مانع از آن است که کار اداری داشته باشند؟ نه... اصل مسئله این است که هیچ اجباری هم در کار نیست و مسئله چادر هم نیست.»

از دیگر سو به گزارش روزنامه اطلاعات در این روز مهدی هادوی، دادستان کل انقلاب در بیانیه‌ای مزاحمان خانم‌های بی‌حجاب را ضد انقلاب دانست و مزاحمت برای آن‌ها را «مخالف منویات امام خمینی» اعلام کرد. همچنین آیت‌الله ربانی شیرازی در پیامی که در روزنامه اطلاعات «تاکید اسلام [بر حجاب] ناشی از ارزشی است که برای طبقه بانوان قائل شده... زنان در انتخاب نوع حجاب آزادند، از هرگونه ابزار خشونت نسبت به بانوان احتراز کنید.» روزنامه اطلاعات روز ۲۱ اسفند ۱۳۵۷، در خبری با عنوان «نظر آیت‌الله طالقانی درباره حجاب صحیح است» نوشت که امام خمینی امروز در دیدار با خبرنگاران خارجی، در پاسخ به یک خبرنگار زن فرانسوی که درباره مسئله حجاب و اعتراض زنان ایرانی پرسید، پاسخ داد: «همان نظراتی که آقای آیت‌الله طالقانی فرمودند، مورد نظر من و صحیح است.»

در این روز صادق قطب‌زاده سرپرست رادیو و تلویزیون ملی، نیز به میان دختران دبیرستانی معترض به سانسور که مقابل ساختمان تلویزیون تجمع کرده بودند، رفت.

به گزارش روزنامه اطلاعات، قطب‌زاده در این تجمع گفت: «ما اجازه نمی‌دهیم به اقلیت ظلم شود اما اجازه نمی‌دهیم اقلیت به دیگران که حجاب دارند تهمت‌هایی بزنند.»

او همچنین درباره پخش نشدن فیلم بانوان معترض به حجاب اجباری از تلویزیون گفت که فیلم‌ها برای نمایش آماده نبوده است. معترضین می‌گفتند تنها بخش کوتاهی از تجمع که در آن شعار «درد بر خمینی، سلام بر آزادی» بوده، از تلویزیون پخش شده است.

به گزارش روزنامه اطلاعات، در این روز همچنین قضات و وکلای زن دادگستری در بیانیه‌ای از آیات عظام و دولت موقت مهدی بازرگان که «با درایت سیاسی و انقلابی خود» عدم اجباری بودن حجاب را اعلام کردند، تشکر کردند و مسئله‌ی تحمیل حجاب را پایان یافته تلقی کردند.

روزنامه اطلاعات در شماره ۲۲ اسفند ۱۳۵۷ خود نوشت که گروهی از زنان در مخالفت با حجاب اجباری در دانشگاه تهران تجمع کردند. در مقابل هم عده‌ای از دانشجویان مسلمان به مخالفت با اجتماع زنان شعار می‌دادند.

در این برنامه زنان شاغل در اداره‌های مختلف و دانش‌آموزان دختر دبیرستانی حضور داشتند. این در حالی‌ست که به نوشته روزنامه اطلاعات مراسم راهپیمایی زنان در این روز در مخالفت با تحمیل حجاب که قرار بود از دانشگاه تهران به سمت میدان آزادی برگزار شود، لغو شد.

همچنین روز ۲۲ اسفند ۱۳۵۷ در تبریز عده‌ای از راهپیمایی اعتراض آمیز دختران دانش‌آموز و دانشجو و زنان شاغل جلوگیری کردند و چند تیر هوایی شلیک شد و زنان نیز در خیابان متحصن شدند. به گزارش روزنامه اطلاعات در برخی دیگر از شهرهای ایران از جمله بندرعباس نیز بسیاری از دختران و زنان در مخالفت با حجاب اجباری راهپیمایی کردند.

اما روز چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۳۵۷ روزنامه اطلاعات، خبر داد که سازمان مجاهدین خلق ایران در بیانیه‌ای اعلام کرده: «حجاب چیزی نیست جز کوششی اجتماعی به خاطر رعایت و حفظ سلامت اخلاقی جامعه... و ما مطمئنیم که خواهران و برادران انقلابی ما... این ضرورت را به بهترین وجه رعایت نموده و خواهند نمود؛ لذا هر موضع‌گیری خصمانه برای تحمیل جبری هر شکلی از حجاب بر زنان این میهن... نامعقول و نامقبول است...»

اما در همین روز و از دیگر سو زنان طرفدار حجاب اسلامی در تهران در اطلاعیه‌ای، زنان را به شرکت در یک گردهمایی در روز جمعه ۲۵ اسفند دعوت کردند. در این اطلاعیه آمده بود: «هموطن متعهد و مسلمان؛ به منظور دفاع از حجاب اسلامی و همچنین به‌خاطر تایید و تقدیر از تلاش‌های خستگی‌ناپذیر آقای صادق قطب‌زاده منتخب امام در برابر عناصر ناآگاه و عوامل ضد انقلاب در روز جمعه ۲۵ اسفند از ساعت دو بعد از ظهر در خیابان جام جم با شرکت خود در این گردهمایی رشد اخلاقی، مذهبی و تداوم روحیه‌ی انقلابی خود را نشان می‌دهیم.»

«فرزانه تابیدی» بازیگر سرشناس سینما روز ۲۷ اسفند ۱۳۵۷، در گفت‌وگو با روزنامه اطلاعات گفت: «روز شنبه چند جوان ماجراجو با قیچی به من حمله کردند و قصد داشتند موی سرم را بتراشند. مردم به کمک من شتافتند و رهايم کردند. با توجه به این که من روسری هم به سر داشتم، معلومست که این عناصر قصد لطمه زدن به نهضت انقلابی داشتند و دولت باید شدیداً با چنین عواملی مبارزه کند.»

روز دوشنبه ۲۸ اسفند، آیت‌الله مکارم شیرازی در مقاله‌ای در روزنامه اطلاعات، نوشت: «رهبر انقلاب یک حکم مسلم اسلامی را در شکل یک نصیحت بیان کرد... آن‌ها فکر می‌کردند سوژه خوبی به‌دست آورده‌اند، ناگهان به آن دامن زده و شروع به سم‌پاشی کردند. مسئله منحصر به حجاب نیست و ما در آینده نیز با این گونه صحنه‌های ضد انقلابی... روبرو هستیم... توسل به خشونت و اجبار و اکراه در مقررات اسلامی محکوم است... آن‌ها که با مقالات تحریک‌آمیز سعی می‌کردند این مسئله را بزرگ کنند، حداقل ناآگاهانه تحت تاثیر دشمنان قرار گرفتند...»

به گواهی روزنامه اطلاعات چاپ تهران پس از این اظهار نظرها و اعلام مواضع درباره حجاب اسلامی بود که نوروز ۱۳۵۸ از راه رسید، اما موضوع حجاب و چگونگی آن با پایان سال ۱۳۵۷ و آغاز نخستین بهار پس از انقلاب، پایان نگرفت. بنیانگذار نظام نوپای جمهوری اسلامی پس از اظهار نظر اسفند ۱۳۵۷ درباره لزوم رعایت حجاب و پوشش اسلامی تا تیر ماه ۱۳۵۹ دیگر موضع مشخصی اعلام نکرد.

تا این‌که به گواهی تاریخ در تیرماه ۱۳۵۹، او در یک سخنرانی تند، از ابوالحسن بنی‌صدر رییس جمهوری وقت حکومت اسلامی ایران خواست تا سریعاً اداره‌های دولتی را اسلامی کند.

بعد از این سخنان از صبح شنبه ۱۴ تیرماه ۱۳۵۹ ورود زنان بی‌حجاب به اداره‌های دولتی ممنوع شد این رویه تا سال ۱۳۶۱ تثبیت شد. تا این‌که سرانجام مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۳ قانون مجازات اسلامی را به تصویب رساند. به موجب این قانون هرکس در معابر عمومی حجاب را رعایت نمی‌کرد، به ۷۲ ضربه شلاق محکوم می‌شود. قانونی که هنوز هم در ایران پابرجاست.



مطالعه تاریخچه حجاب و در کنار آن بررسی وضعیت زن در خانواده و در جامعه می‌تواند مخالفت امروز جامعه ما با حجاب را برجسته‌تر کند. تاریخچه حجاب و تاریخچه حجاب در اسلام، از دوران باستان تا امروز در ایران، به‌صورت مستند روایت شده است.

گفتنی است زنان ایرانی پیش از اسلام حجاب داشتند ولی حدود حجاب اسلامی پس از اسلام رایج شد. از دوره‌های پیش از اسلام داشتن پوشش روی سر، به‌صورت‌های عمامه، دستار، کلاه و تاج در بین مردان و روسری و چارقد، چادر، مقنعه، لچک در بین زنان متداول بود. البته در هر دوره شکل این سرپوش تغییر کرد. معنای لغوی حجاب: حجاب یک کلمه عربی به‌معنای پرده است و چون خاصیت پرده، پوشاندن و ایجاد حریم است، حجاب هم به‌معنای پوشاننده به‌کار می‌رود.

همچنین حجاب یک اصطلاح اسلامی است. از دیدگاه فقهی حجاب یعنی زنان در اجتماع و در مقابل مردان نامحرم طوری لباس بپوشند که برجستگی‌های بدن‌شان مشخص نباشد و فقط گردی صورت و دست‌هایشان تا مچ باز باشد. به‌عبارت دیگر، حجاب نشان‌دهنده اسارت زن و در ایران توسط حاکمیت اسلامی است.

مطالعه تاریخ بسیار جذاب است. مطالعه تاریخ ما را از حوادثی که بر ملت‌های گذشته رخ داده و واکنش‌های فردی و جمعی آن‌ها به این حوادث باخبر می‌کند. تاریخ به ما می‌گوید کدام ملت به چه دلیل پیشرفت کرد و کدام ملت به چه دلیل پسرقت. تاریخ به ما می‌آموزد که تغییرات فرهنگی در بلندمدت چه تاثیری بر تعالی یا تنزل تمدن‌ها داشته است.

مورخان و تاریخ‌دانان معتقدند هدف از مطالعه تاریخ صرفاً شناختن اشخاص و وقایع نیست بلکه هدف شناخت وضع زندگی اجتماعی و تغییرات جوامع انسانی است. زیرا آشنایی با زندگی اجتماعی انسان در طول تاریخ منجر می‌شود تا شناخت بهتر و بیش‌تری نسبت به جامعه کنونی پیدا کنیم. به بیان دیگر، هدف از مطالعه تاریخ اینست که انسان به یقین قوانین و اوضاع عمومی حاکم بر تاریخ آشنا شود و براساس آن، شرایط و قوانین بر زندگی فردی و اجتماعی را تعیین کند. به‌علاوه با شناخت نقاط منفی و مثبت تاریخ، انسان بتواند از تکرار ابعاد منفی آن جلوگیری کند.

حجاب در ایران و در اغلب فرهنگ‌های قبل از اسلام سابقه داشته است با این تفاوت که اجباری در رعایت آن وجود نداشت اما در دیدگاه دینی، زن موظف است آن را رعایت کند.

البته ناگفته نماند که قوانین و احکام دینی، در تغییر و تکمیل حجاب نقش به‌سزایی داشته است. خصوصاً ادیان الهی، به رعایت حجاب تاکید کرده و حد و حدودی نیز برای آن مشخص کرده‌اند.

برخی حاکمیت‌ها با دیدگاه پدرسالاری و مردسالاری بر حجاب زن تاکید داشتند. ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن می‌نویسد: «در دوران باستان زنان فقط در صورتی در جشن‌های مذهبی و تماشاخانه‌ها حضور پیدا می‌کردند که کاملاً در حجاب باشند.»

رومی‌ها، کسانی را که لباس تنگ می‌پوشیدند مجازات می‌کردند. زنان روی لباس‌شان ردای بلندی تا مچ پا، می‌پوشیدند که استولا نام داشت و وقتی از خانه خارج می‌شدند، با چادری بلند تمام بدن را تا روی پاها می‌پوشاندند و چیزی از برآمدگی‌های بدن مشخص نمی‌شد.

در قرون اول تا ۱۶ میلادی زنان اروپایی از لباس‌های پوشیده استفاده می‌کردند. ویل دورانت (مورخ معروف) در این رابطه می‌نویسد: بلندی لباس‌های بانوان اصیل اروپایی، تا روی پاها می‌رسید. زنان اشراف به ندرت در انتظار عمومی ظاهر می‌شدند. در اروپا مرد و زن از پیراهن‌های بلند با آستین‌های بلند استفاده می‌کردند که کاملاً بدن را می‌پوشاند. لباس‌های مردان کوتاه، ولی لباس‌های زنان خصوصاً بانوان اصیل اروپایی چند لایه و بلند تا روی زمین بود. مردان کلاه و زنان روسری ای می‌پوشیدند که مو، سر و شانه را می‌پوشاند.

در زمان شکسپیر زن حق نداشت که روی صحنه بپاید، نقش زنان را پسران بازی می‌کردند. (تاریخ تمدن ویل دورانت) البته پوشش زیاد زنان در برخی از کشورها، متأثر از آب و هوا و سرمای هوا بوده است. یعنی شاید چون سردشان می‌شده خودشان را می‌پوشانده‌اند.

تحقیقات تاریخی نشان می‌دهد حجاب زنان ایرانی در دوران باستان (یعنی قبل از ورود اسلام به ایران) در جهان منحصر به فرد بوده است. تا جایی‌که ویل دورانت تاریخ‌نگار مشهور اتریشی معتقد است مبدع حجاب در جهان، ایرانیان هستند.

در کتاب «پوشاک باستانی ایرانیان» نوشته جلیل ضیاءپور درباره پوشش مادها (Medes) آمده: «اصلی که باید در نظر داشت، این است که طبق نقوش برجسته و مجسمه‌های ما قبل میلاد، پوشاک زنان آن دوره (مادها) از لحاظ شکل (با کمی تفاوت) با پوشاک مردان یکسان است.» نویسنده در ادامه برای توضیح نقوش بر جای مانده می‌نویسد: «مرد و زن به واسطه اختلافی که میان پوشش سرشان وجود دارد، از هم تمیز داده می‌شوند به‌نظر می‌رسد که زنان پوششی نیز روی سر خود گذارده‌اند و از زیر آن گیسوهای بلندشان نمایان است.»

شلوار از عناصر اصلی پوشاک ایرانیان بوده و در فرهنگ‌های دیگر وجود نداشته است. چینی‌ها و عرب‌ها شلوار پوشیدن را از ایرانی‌ها یاد گرفتند. یونانی‌ها ایرانیان را به‌دلیل پوشیدن شلوار مسخره می‌کردند. (دانشنامه ایرانیکا) ویل دورانت: غالب پارسیان برهنه بودن حتی قسمتی از بدنشان را بی‌شرمی می‌دانند و همیشه بلند لباس می‌پوشند. در زمان داریوش، زنان طبقات بالای اجتماع جز در تخت روان و روپوش‌دار از خانه بیرون نمی‌آمدند. در نقش‌هایی که از ایران باستان بر جای مانده است هیچ صورت زن دیده نمی‌شود. (تاریخ تمدن)

از روی برخی نقوش به‌جامانده از دوره هخامنشیان، به زنانی برمی‌خوریم که پوششی جالب دارند. پیراهن آنان پوششی ساده و بلند یا دارای راسته چین و آستین کوتاه است. زنان دیگری نیز هستند که از پهلوی به اسب سوارند. اینان چادری مستطیل بر روی همه لباس خود افکنده و در زیر آن، یک پیراهن با دامن بلند و در زیر آن، پیراهن بلند دیگری تا به مچ پا نمایان است. (پوشاک زنان ایرانی، جلیل ضیاءپور) چادری که موسوم به چادر ایرانی است همان چادری است که از دوره هخامنشیان استفاده می‌شده ولی در آن زمان به شکل مستطیل یا مربع بوده است. با گذشت زمان این چادر تغییر کرده و به شکل نیم دایره درآمده است.

زنان اشکانی از شلوارهای چین‌دار و پیراهن‌های دراپه‌دار و بلند استفاده می‌کردند. همچنین در پوشش سر و استفاده از چادر همانند زنان هخامنشی بودند و کلاه عمامه‌وار آنان تقریباً بیشتر موهای آن‌ها را می‌پوشانید. بلندی لباس‌ها به‌قدری بود که مانع دیدن کفش‌ها می‌گردید. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی)

چادر زنان اشکانی به رنگ‌های شاد و ارغوانی و یا سفید بوده است. گوشه چادر در زیر یک تخته فلزی بیضی‌منقوش یا دکمه که به وسیله زنجیری به گردن افکنده شده، بند است. این چادر به‌نحوی روی سر می‌افتاده که عمامه (نوعی کلاه زنانه) را در قسمت عقب و پهلوها می‌پوشانیده است. (پوشاک باستانی ایرانیان، جلیل ضیاءپور) در کتاب «پارتیان» نیز آمده است: «زنان عهد اشکانی قبایی تا زانو بر تن می‌کردند، با شنی که بر سر افکنده می‌شد.»

در دوره ساسانی ایرانیان پیرو آیین زرتشت بودند. در کتاب خرده اوستا آمده است: پوشش زن باید به‌گونه‌ای باشد که حتی یک تار موی او نیز آشکار نگردد.»

اما با ورود اسلامی به ایران، تغییرات اساسی در زیست و زندگی زنان و حجاب آن‌ها پدید آمد. اگر تا آن موقع براساس سنن و روابط و مناسبات موجود اجتماعی، تا حدودی خود را می‌پوشاندند. اما بعد از ورود اسلام به ایران، از همان آغاز تغییری که در پوشش زنان ایرانی ایجاد می‌شود آن است که روسری‌هایشان را که قبلاً از جلو باز بوده از

قسمت زیر گلو با سنجاق یا گیره می‌بستند به‌طوری‌که دیگر گریبان‌شان پیدا نبود. در واقع اسلام، حجاب زن ایرانی را سخت‌تر و اجباری‌تر می‌کند.

در منابع اسلامی نقلی تاریخی پیرامون حجاب زنان ایرانی دوره ساسانی آورده شده است: هنگامی که سه تن از دختران کسری، پادشاه ساسانی را برای عمر آوردند، شاهزادگان ایرانی را در برابر عمر در حالی که با پوشش و نقاب، خود را پوشانده بودند، ایستاندند، خلیفه دستور داد، با آوازی بلند بر آنان فریاد کشند که: پوشش از چهره برگیرید تا مسلمانان آن‌ها را ببینند و خریداران پول بیش‌تری به پای آن‌ها بریزند. دوشیزگان ایرانی از برهنه کردن صورت خودداری کردند و مشت بر سینه نماینده عمر زدند و آنان را از خود دور ساختند. خلیفه خشمناک شد و خواست با تازیانه آنان را بیازارد، در حالی‌که شاهزادگان ایرانی می‌گریستند و...

در این دوران در خارج از خانه با مقنعه - که بعد از اسلام رایج شد-، روبنده و چادر بدن خود را می‌پوشاندند. شلوار هایشان بلند و گشاد و در قسمت مچ چسبان بود. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی)

در عصر حکومت‌های غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان، زنان از نوعی مقنعه و چادر استفاده می‌کردند که تمامی سر را می‌پوشاند. معمولاً پیشانی، چانه و دهان را نیز پنهان می‌کردند و روی این مقنعه و روی پیشانی، نواری بسته می‌شد. نوع دیگری از این مقنعه تقریباً همچون چادر هم سر را می‌پوشاند و هم ادامه آن شانه‌ها و تقریباً تمامی بدن را پنهان می‌کرد. این سرپوش‌ها اکثراً به رنگ مشکی، سفید، سبز و گاه قرمز بود. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی)

از دوره صفویه کم‌کم حضور جهانگردان در ایران زیاد شد. این جهانگردان در سفرنامه‌های خود توصیفات جالبی از زنان ایرانی دارند. مثلاً کلاویخو جهانگرد اسپانیایی در سفرنامه‌اش می‌نویسد: زن‌های شهری معمولاً روی پوشیده‌اند و عجب آن‌که چادر سفید داشته‌اند و نقاب سیاه؛ واقعا مثل ماه، زیر میغ (ابر) رفته‌اند.

کلودانه جهانگرد و فیلسوف فرانسوی هم می‌گوید: زنان ایرانی، بیش از تمام کشورهای مشرق زمین مقید به خجاب‌اند. آن‌ها دوست ندارند حتی چشمان خود را به کسی نشان دهند.

یاکوب ادوارد (جهانگرد و طبیب آلمانی): در ایران هنگام صحبت کردن با زنان چادری از طرز تکلم آن‌ها می‌توان به مقام بلندشان پی برد. آنان در خروج از منزل آزادی بسیاری دارند و با وجود جدا و مستور بودن‌شان، به همه امور اعمال نفوذ دارند.

ژان شاردن (جهانگرد و فیلسوف فرانسوی): پوشش سر زنان، چارقد سفیدی است که تا سر شانه می‌رسد و چادر سفید بلندی که فقط چشم‌ها از پشت آن پیداست و جلو صورت را با پارچه مُشَبَّک دست باف یا توری می‌بندند. در منزل هم زنان سر خود را می‌پوشانند و تا روی سینه آن‌ها پوشیده است. مشکل می‌توان تشخیص داد که بانوان آریایی برای آزر و عفت یا به‌منظور افتخار و عزت یا غرور و تکبر به‌سوی حجاب می‌روند.

در سفرنامه الناریوس نیز در این باره آمده است: «زنان هنگامی که از خانه خارج می‌شوند، صورت خود را با تور سفید می‌پوشانند و چادرشان تمام بدن آن‌ها را فرا می‌گیرد و فقط چشمان آن‌ها باز است.»

این نقل قول‌ها نشان می‌دهد که در دوره صفویه فشار بر زنان افزایش یافته و موظف شده‌اند حجاب خود را رعایت کنند.

ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن، می‌نویسد: رنسانس نه یک دوره زمانی، بلکه یک تفکر و شیوه زندگی بود که بر اثر فشارهای حاکمیت غیر عقلانی کلیسا طی سال‌های ۱۳۰۰ الی ۱۵۰۰ میلادی با شعار بازگشت به میراث فرهنگی روم و یونان باستان در اروپا شکل گرفت.

هنر رنسانس که عبارت بود از نقاشی، مجسمه‌سازی و ادبیات و افکار اومانستی بود. معروف‌ترین هنرمندان رنسانس، لئوناردو دوانچی، رافائل سانتسیو و میکلائو بودند. رنسانس «تقدس‌زدایی» را از ایتالیا و آن هم از تصاویر خدایان و پیامبران شروع می‌شود.

اگرچه مخالفت با جنایت‌های مذهبی کلیسا، از قرن ۱۵-۱۶ شروع می‌شود و در قرن ۱۸، مبارزه زنان نیز گسترش یافت و حتی نوع و مدل لباس آنان تغییر کرد.

در نهایت، ترویج سیاست‌های آزادی‌خواهی و برابری‌طلبی و فرهنگ مدرن همراه با زمینه‌سازی‌هایی که پس از انقلاب صنعتی صورت گرفت، در اوائل قرن بیستم، به ثمر رسید. از سال ۱۹۲۱، از جمله پوشش زنان تغییر می‌کند و از آن به بعد، همراه با آگاهی زنان، دامن‌ها نیز کوتاه شد تا به زانو رسید و این، امری بی‌سابقه در تاریخ پوشاک به‌شمار می‌رفت. همچنین زنان بیش‌تری وارد بازار کار شدند.

اما مسئله تغییر پوشش در ایران، به‌صورت غیررسمی از دوره قاجار آغاز شد. در دوره فتح‌علی‌شاه برای اولین بار تغییراتی در شکل پوشش مردان صورت گرفت. در این دوره رفت‌وآمد هیات‌های اروپایی به دربار ایران برای عقد قراردادهای سیاسی - نظامی موجب شد دربار ایران به‌تدریج با تحولات اجتماعی اروپا آشنا شود. همچنین چند خیاط فرانسوی را به دربار قاجار اعزام کردند تا برای شاهزادگان قاجار لباس‌های اروپایی بدوزند. تحول اساسی که تا این زمان در میان زنان ایرانی رخ داده بود، قرار گرفتن روبند به جای نقاب بود. (مهدی صلاح، کشف حجاب: زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها)

اولین تغییرات اساسی در پوشش زنان مربوط به زمان ناصرالدین شاه است. ناصرالدین شاه در سفر فرنگ از فرم پوشش زنان اروپایی خوشش آمد و بعد از بازگشت به کشور دستور داد تا زنان حرمسرا دامن کوتاه بپوشند. در عکس-های به‌جامانده از حرمسرای قاجار، زنان بالاپوشی به شکل سنتی خود دارند؛ اما به‌جای دامن بلند، دامنی کوتاه همراه با جوراب به تن دارند، نیمی قجری و نیمی اروپایی! البته در هیچ یک از تصاویر زنان این دوره تصویر زنی بدون روسری دیده نمی‌شود.

روند نوگرایی و تجددخواهی در ایران پس از مشروطیت و به قدرت رسیدن گروهی از آزادی‌خواهان غرب‌گرا، شکل تازه‌ای به خود گرفت. شعری چون عارف قزوینی و ایرج میرزا، اشعاری در مخالفت با سنن دینی و حجاب سرودند و برخی نویسندگان و علمای دین را به باد مسخره گرفتند.

از زمان سلطنت مظفرالدین شاه تا پایان دوره قاجار، کت و دامن و پیراهن فرنگی، به ویژه در میان زنان طبقه مرفه، افزایش یافت. خانواده‌های وابسته به دربار از این نوع پوشش استفاده می‌کردند و زنانی چون «قره‌العین» بهایی نیز بدون حجاب در جمع مردان ظاهر می‌شدند. (زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی، میترا مهرآبادی)

قره‌العین، اولین زنی جسوری است که در دوره قاجار، نه تنها بی‌حجاب در جامعه مردان ظاهر شد بلکه بدون هیچ واژه‌ای عقاید خود را بیان می‌کرد.

بعد از تغییر سلطنت و روی کار آمدن رضاخان، کشف حجاب جز زورگویی به زنان، چیز دیگری نبود. به عبارت دیگر، چه به زور پلیس از سر زنان حجاب بگیرند و چه به زور پلیس حجاب بر سر زنان بگذارند عملاً سرکوب زنان است. زنان باید در انتخاب لباس و مدل آن آزاد باشند بنابراین، حکومت به هیچ‌وجه حق ندارد در این امر خصوصی زنان دخالت کند.

سفر رضاشاه به ترکیه (از ۱۲ خرداد تا ۱۴ تیر ۱۳۱۳) نقطه عطفی در قضیه کشف حجاب بود. در این سفر رضاشاه با سیاست‌های مدرنیسم آتاتورک آشنا شد.

تاثیر این سفر بر رضاشاه آنقدر زیاد بود که پس از سفر به مستشارالدوله صادق، سفیر ایران در ترکیه، گفت: «هنوز عقب هستیم و فوراً باید با تمام قوا به پیشرفت سریع مردم خصوصاً زنان اقدام کنیم.» (حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران) همچنین خطاب به رئیس‌الوزراء (محمود جم) اظهار می‌دارد: «نزدیک دو سال است که این موضوع سخت فکر مرا به خود مشغول کرده است. خصوصاً از وقتی که به ترکیه رفتم و زن‌های آن‌ها را دیدم که حجاب را دور انداخته‌اند... دیگر از هرچه زن چادری است بدم آمده است. اصلاً چادر و چاقچور دشمن ترقی و پیشرفت مردم است.» (نشست تخصصی کشف حجاب، دکتر مهدی صلاح) در خاطرات صدرالاشراف نیز آمده است: «رضاشاه بعد از مسافرت ترکیه، در غالب اوقات، ضمن (اشاره به) پیشرفت کشور ترکیه، از رفع حجاب زن‌ها و آزادی آن‌ها صحبت و تشویق می‌کرد.»

به نظر می‌رسد که آزادی زنان در ترکیه، ربط مستقیمی به حاکمیت آتاتورک نداشت و زنان این کشور از دوران عثمانی، تا حدودی با مدرنیسم غرب از جمله در پوشیدن لباس آشنا شده بودند و یک سنت فرهنگی برایشان شده بود. در حالی که رضاشاه بدون فرهنگسازی تلاش کرد به زور پلیس چادر را از سر زنان برداشت و لطامات زیادی به جنبش زنان زد.

با این وجود، جالب است بدانید که وقتی همسر اول شاه (فوزیه) بچهدار می‌شود و رضاشاه می‌فهمد که بچه‌ای که او به دنیا آورده دختر است، حتی برای دیدن بچه که نوه‌اش است هم نمی‌رود. فوزیه در مقابل این رفتار رضاشاه به محمدرضا می‌گوید: «پدر تو که این همه ادعای دفاع از حقوق زنان را می‌کند حتی اینقدر هم برای من و نوه‌اش ارزش قائل نبود که بیاید او را ببیند.»

در تبلیغات کشف حجاب، حکومت تلاش داشت به نوعی بی‌حجابی را تقدس نشان دهد، روسپی‌ها از کشف حجاب منع شدند. آن‌چنان‌که در بخشی از بخشنامه دولت آمده است: «اگر فواحش به کشف حجاب اقدام نمایند، باید قویاً جلوگیری شود که صدمه به این مقصود مقدس نزنند.» (واقعۀ کشف حجاب)

در همین زمان، برخی از مغازه‌دارها نیز همگام با شهربانی، در اعمال محدودیت‌ها شرکت و با چسباندن اطلاعیه‌هایی بر در مغازه خود بدین مضمون که: «به چادری‌ها جنس نمی‌فروشیم»، با حکومت و ماموران آن همکاری می‌کردند. پس از مدتی به ماموران دستور داده شد خشونت بیشتری به خرج دهند. بر اساس گزارش‌های شاهدان عینی، پلیس در گوشه خیابان‌ها می‌ایستاد و زنان چادری را زیر نظر می‌گرفت و چادر از سر آن‌ها برمی‌داشت و پاره می‌کرد، به گونه‌ای که جوی‌های آب کنار برخی از خیابان‌ها، از چادر انباشته شده بود.

طبق دستورالعمل وزارت کشور از سوار شدن بانوان چادری بر وسایل نقلیه و ورود آن‌ها به سینماها، رستوران‌ها و ادارات دولتی جلوگیری می‌شد. (مهدی صلاح، کشف حجاب: زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها)

چنین اقداماتی علیه زنان با حجاب رسماً یکی از اقدامات فاشیستی حکومت رضاخان بود. مخبرالسلطنه هدایت که خود بیش از شش سال و سه ماه به عنوان رئیس‌الوزراء در خدمت رضاشاه بود در خاطرات خود سه اصل یادشده را این گونه تحلیل می‌کند:

«در این اوقات (سال‌های بعد از تصویب تغییر لباس به تاریخ ۶ دی ۱۳۰۷) روزی به شاه عرض کردم تمدنی که آوازه‌اش عالمگیر است، دو تمدن است: یکی تظاهرات در بولوارها، یکی تمدن ناشی از لابراتوارها. تمدنی که مفید است و قابل تقلید، تمدن ناشی از لابراتوارها و کتابخانه‌ها است. (اما در این قضیه) آثاری که بیش‌تر ظاهر شد تمدن بولوارها بود که به کار لاله زار می‌خورد و مردم بی‌بند و بار خواستار بودند...»

در جای دیگر ضمن استهزاء «روز ۱۷ دی ۱۳۱۴» در مورد نقش زن ایرانی در اقتصاد کشور می‌نویسد: ۱۷ دی روز ورود به صحنه تمدن است. مملکت را آوازه تمدن و ترقی فرا گرفته است. مسرورم که می‌بینم خانم‌ها در نتیجه معرفت به وضعیت خود آشنایی یافته‌اند. نصف قوای مملکت بیکار بود و به حساب نمی‌آمد، اینک داخل جماعت شده است. آنان که مشغول خانه داری بودند به عرصه ولنگاری قدم نهادند. در هیچ جای دنیا زن به قدر ایران کار نمی‌کرد و نمی‌کند. در شهرها و قراء زن علاوه بر کار خانه‌داری بزرگترین کمک را به اقتصاد مملکت می‌کند. قالی، گلیم، جاجیم، اغلب از زیر دست زن بیرون می‌آید یا دخترها.»

او در تمسخر استدلال رضاخان مبنی بر این‌که بی‌حجابی موجب پیشرفت زنان می‌شود می‌نویسد: «جای شکرش باقی است که سر تا پا برهنه کردن در کوچه آمدن را در پاریس و برلن، پلیس منع کرده بود و الا در حرارت تقلید بانوان ما مستعد تقلید بودند و آنچه در پرده داشتند، می‌نمودند.» (مهدی صلاح، کشف حجاب: زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها)

علی اصغر حکمت یکی از سرشناس‌ترین چهره‌هایی که خود در آفرینش ماجرای حجاب فعال بود، در مورد تبعات این واقعه می‌نویسد: «بلافاصله بعد از مراسم ۱۷ دی در تهران دو امر پیش آمد که یکی به افراط و دیگری به حد تفریط بود... از طرف دیگر مامورین شهربانی و پلیس‌ها در تهران و فرمانداری‌ها و بخش‌داری‌ها در شهرها و قصبات مملکت بر حسب دستور وزارت کشور به زنان بی‌خبر مزاحم شده و آن‌ها را به اجبار وادار به کشف حجاب می‌کردند و حتی چادر و نقاب آنان را پاره می‌کردند...»

همسر صدرااشراف - وزیر عدلیه رضا شاه - که بالاچار در مجلسی شرکت کرده و کشف حجاب کرده بود بیمار شد به‌طوری که دیگر از خانه بیرون نیامد و یک سال بعد درگذشت.

به‌نظر می‌رسد سیاست ممنوعیت حجاب، در تاریخ ۱۰ دی ۱۳۲۲ کنار گذاشته می‌شود.

محمدرضا شاه در کتاب «ماموریت برای وطنم» که در سال ۱۳۴۱ نوشته شده است، تلویحا از روش رضاخان تبری می‌جوید و به منش فرهنگی خود اشاره می‌کند: «مسئله کشف حجاب نمونه‌ای از اقدامات اصلاحی پدرم بود و همین که پدرم از ایران خارج شد در اثر پاشیدگی اوضاع در دوران جنگ، بعضی از زنان مجدداً به وضع اول خود برگشتند و از مقررات مربوط به کشف حجاب عدول کردند. ولی من و دولت من از این تخطی چشم‌پوشی کردیم و ترجیح دادیم که این مسئله را به سیر طبیعی خود واگذاریم و برای اجرای آن به اعمال زور متوسل نشویم. امروز در شهرها و قصبات ایران زنان با حجاب دیده می‌شوند ولی روز به روز از عده این زنان می‌کاهد و به تدریج از میان می‌رود.»

شایان ذکر است که رضا خان که در ابتدا با پیشانی «گل مالی شده» و پای برهنه دسته سینه‌زنی قزاق راه می‌انداخت و به حضور روحانیون می‌رسید و ابراز ارادت می‌کرد به تدریج در رفتار خود تغییراتی داد و به سیاست کشف حجاب رسید.

رضاخان در ۱۲ خرداد ۱۳۱۳ در یک مسافرت طولانی به ترکیه، با همتای ترک خود مصطفی کمال آتاتورک، دیدار کرد. آتاتورک به افتخار رضاخان میهمانی بزرگی ترتیب داد و با مذاکره و تبادل نظر با وی به انتقال تجربیات خود در سرکوب آزادی‌ها پرداخت. رضاخان چند ماه پس از بازگشت از ترکیه در ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ در دانش‌سرای مامایی، فرمان ممنوعیت حجاب را برای زنان اعلام کرد.

اما پس از انقلاب خمینی به زور پلیس سر زنان حجاب انداخت و همان سیاست‌های فاشیستی رضا خان را با پوشش مذهبی تکرار کرد. برای نمونه، در ماه رمضان سال ۱۳۶۰ طبق قانون، اماکن عمومی موظف شدند این متن را در معرض دید مشتریان قرار دهند: «به دستور دادگاه مبارزه با منکرات، از پذیرفتن مشتریانی که رعایت ظواهر اسلامی را نمی‌کنند معذوریم.» (بند ۵ ماده ۱۸ قانون بازداری نیروی انسانی موسسات دولتی و وزارتخانه‌های وابسته به دولت)

طی این سال‌ها طرفداران حکومت تظاهرات‌های متعددی در نقاط مختلف کشور خصوصاً تهران علیه بدحجابی برگزار کردند. این تظاهرات‌ها در تیر ۱۳۶۳ بالاگرفت و در بعضی نقاط به درگیری با زنان بدحجاب و حمله به بوتیک‌های فروش لباس‌های نامناسب انجامید. وزارت کشور از اعطای مجوز برای این تظاهرات خودداری و در محل‌های درگیری، افرادی را دستگیر کرد.

نهایتاً سرکوب زنان پس از انقلاب با اجباری کردن حجاب آغاز شده بود در سال ۱۳۶۳ برای اولین بار با تصویب قانون مجازات اسلامی برای استفاده از لباس‌هایی که در ملاء عام خلاف شرع اسلام است و عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند، در مجلس شورای اسلامی قانونی شد. (ماده ۱۰۲ قانون مجازات اسلامی)

در سال ۱۳۶۹ مبارزه با بی‌حجابی (به‌عنوان مصداق جرائم مشهود) در آیین دادرسی کشوری، در سال ۱۳۸۴ قوانین راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب در شورای عالی انقلاب فرهنگی و در سال ۱۳۸۵ قانون ساماندهی مد و لباس در مجلس شورای اسلامی تصویب شد.

در واقع حکومت اسلامی حجاب را با وحشی‌گری و تهدیدهایش به زنان ایران تحمیل کرد. حجاب به یک ایدئولوژی حکومت و به هدفی برای پیشبرد اهداف ارتجاعی خود در جامعه تبدیل شده بود.

در برخی از آیات قرآن می‌خوانیم که زنان عرب قبل از اسلام، برای حضور در اجتماع، از پوشش مناسبی استفاده نمی‌کردند. به‌طور مثال در آیه ۳۲ و ۳۳ سوره احزاب از همسران پیامبر خواسته شده تا زینت‌های خود را در اجتماع آشکار نکنند. «مانند روزگار جاهلیت قدیم، زینت‌های خود را آشکار مکنید.»

همچنین در آیه ۵۹ احزاب از پیامبر خواسته شده تا به دختران و همسرانش و زنان مومن بگوید پوشش‌های خود را فروتر گیرند تا مورد آزار قرار نگیرند. از آیه ۳۱ سوره نور نیز فهمیده می‌شود که زنان در آن دوران اگرچه روسری به سر داشتند اما گلو و گردن آن‌ها نمایان بوده است.

دستور حجاب در دو سوره از سوره‌های قرآن مطرح شده است. ابتدا این نکته به‌طور اجمال، در سوره احزاب، مطرح شده و سپس با تفصیل بیشتر در سوره نور آمده است.

آیه ۳۱ سوره نور: و به زنان باایمان بگو دیدگان خود را (از هر نامحرمی) فروبندند و زینت‌های خود را آشکار نکنند مگر آنچه از آن پیداست و باید روسری خود را بر گریبان خویش (فرو) اندازند و زینت‌هایشان را جز برای شوهران‌شان یا پدران‌شان یا پدران شوهران‌شان یا پسران‌شان یا پسران شوهران‌شان یا برادران‌شان یا برادران‌شان یا پسران‌شان یا پسران خواهران‌شان یا زنان (همکیش) خود یا کنیزان‌شان یا خدمت‌کاران مرد که (از زن) بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان، آگاهی ندارند آشکار نکنند و پاهای خود را (به گونه‌ای به زمین) نکوبند تا آنچه از زینت‌شان نهفته می‌دارند معلوم گردد...

و بر زنان از کار افتاده‌ای که (دیگر) امید ازدواج ندارند گناهی نیست که پوشش خود را کنار گذارند (به شرطی که) زینتی را آشکار نکنند، و عفت ورزیدن برای آن‌ها بهتر است...

حکومت اسلامی با تکیه بر این آیه‌ها و هزاران تحلیل و تفسیر و توجیه مذهبی و مردسالار، نصف جامعه، یعنی زنان را از همه حقوق انسانی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی محروم کرده است. نه تنها این، بلکه این حکومت فرصتی برای همه گرایشات مردسالار و پدرسار فراهم کرده است تا به راحتی زنان و دختران و خواهران خود را بکشند بدون سال ۱۳۶۲، نخستین قانون با نام «قانون حجاب و عفاف در خصوص پوشش زنان» در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.

ماده ۲۱ این قانون، بی‌حجابی را جرم می‌شمارد و تعزیرات علیه زنان را چنین بیان می‌کند: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد.»

سال ۱۳۶۵، قانون رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس تدوین می‌شود که در آن به مسئله لباس‌هایی که در ملاعام خلاف شرع است و عفت عمومی را جریحه دار می‌کند می‌پردازد و در ماده ۴ و ۲ و تبصره آن به نحوه حضور زنان در انظار عمومی و مجازات‌های تعزیری اشاره می‌کند.

سال ۱۳۷۵ قانون مجازات اسلامی، مهم‌ترین قانونی است که بی‌حجابی را جرم دانسته و به آن پرداخته و در ماده ۶۳۸ و تبصره ی آن، که همان ماده ۱۰۲ تعزیرات است، مجازات آن را تعیین می‌کند.

سال ۱۳۸۴، قانون راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب و بدحجابی از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید.

در تابستان سال ۱۳۸۵، مقامات نیروی انتظامی آغاز فعالیت گشت ارشاد را اعلام کردند و گفتند که این گشت‌ها تنها وظیفه تذکر به افراد «بی‌حجاب» را دارند، اما در ماه‌های بعد، رویه نیروی انتظامی تغییر کرد و مقامات آن از بازداشت تعدادی از زنان خبر دادند. پس از آن نیز طرح‌های مختلف «امنیت اجتماعی» در نقاط مختلف از جمله تفرجگاه‌ها اجرا شد.

در تاریخ ۱۶ مهر ۱۳۹۳، طرحی با عنوان «صیانت از حریم عفاف و حجاب» با امضای ۳۶ نماینده در مجلس نهم اعلام وصول شد که ماده ۶ آن، همان «صیانت از حریم عفاف و حجاب» می‌باشد. جالب است که این طرح هیچگاه لباس قانون به تن نکرده است. بنابراین، «گشت ارشاد» ارگانی است غیر قانونی، اگر چه در ۱۹ مرداد ۱۳۹۴ در کمیسیون مشترک قضایی و فرهنگی مجلس کلیات طرح «صیانت» به تصویب رسیده است.

در ماده ۲ این طرح قانونی نشده، با استناد به بندی از قانون تخلفات اداری که مجازات‌هایی برای کارکنان دستگاه‌های اجرایی در صورت رعایت نکردن حجاب اسلامی در نظر گرفته، تاکید شده است که هیات رسیدگی به تخلفات اداری می‌بایست متخلفان را به توبیخ کتبی و درج در پرونده و در صورت تکرار به کسر حداکثر تا یک سوم حقوق و فوق‌العاده شغل یا عناوین مشابه از یک ماه تا یک‌سال محکوم کند. در ضمن، در تبصره آن ذکر شده است که این قانون مانع از تعقیب کیفری خاطیان نخواهد شد.

در سال ۱۳۹۵ نیز، حسین ساجدی نیا، خبر از حضور ۷ هزار نیروی نامحسوس جهت پیش‌برد «طرح ارتقای امنیت اجتماعی» داده بود.

فاطمه سعیدی، در ۱۳۹۶، در مورد گشت ارشاد با دختران می‌گوید: «ای کاش به‌جای گشت ارشاد ما گشت دروغ می‌گذاشتیم، دروغ و فساد را رها کرده‌ایم و گرفتار چند تار موی دختران شده‌ایم.»

این ۷ هزار مامور، پلاک ماشین‌هایی را که اقدام به مواردی اعم از کشف حجاب در خودرو، مزاحمت برای نوامیس، آلودگی صوتی و انجام حرکات نمایشی کنند، از طریق ارسال پیامک گزارش می‌دهند. پس از گزارش، ماموران پلیس امنیت اخلاقی با فرد خاطی تماس گرفته و به وی اعلام می‌کنند که در مهلت داده شده به پلیس مراجعه کند؛ اگر فرد خاطی مراجعه کرد اقدام قانونی صورت می‌گیرد و در غیر این صورت پلیس خود به منزل فرد خاطی مراجعه کرده و اگر فرد خانه نباشد یا آدرس درست نباشد، پلاک ماشین در حوزه تخلفات ثبت و فرد نمی‌تواند ماشین خود را بفروشد یا از خدمات آن استفاده کند.

مدیریت و بررسی پرونده‌های قضایی که گشت‌های نامحسوس اخلاقی به وجود می‌آورند بر حجم کلان پرونده‌های قضایی کنونی – که در فروردین ۱۳۹۵ به نسبت جمعیت ایران ۲ برابر استانداردهای جهانی است، می‌افزاید.

حمیدرضا طباطبایی نایبی، نایب رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس، می‌گوید که سالانه حدود ۷ میلیون پرونده به محاکم دادگستری یا نهادهای قضایی وابسته، مانند شوراهای حل اختلافات وارد می‌شود. در واقع میزان پرونده‌های قضایی ایران با هند که جمعیتی بیش از یک میلیارد نفر دارد، برابر است. این در حالی است که روند کلی جهانی و رهنمودهای بین‌المللی، در مسیری است که باید سیستم قضایی موثرتری سازمان‌دهی شود، تا پرونده‌های کمتری باز شود.

همچنین نقش پلیس گشت ارشاد این سؤال را بر می‌انگیزد که، بر اساس قوانین ایران پلیس تنها ضابط قضایی و اجرا کننده قانون است و نمی‌تواند قانون‌گذاری کند. اما اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده وقت نیروی انتظامی در این مورد می‌گوید: «تعمیق مصادیق حجاب و حد مرز آن بر عهده نیروی انتظامی است.» لازم به یادآوری است که شورای عالی انقلاب فرهنگی بر خلاف قانون اساسی، که یگانه قانون‌گذار را مجلس می‌داند، حق وضع قانون دارد و این شورا مجری «طرح جامع عفاف» را به نیروی انتظامی، وزارت اطلاعات و بسیج واگذار کرده است. پلیس و نیروهای انتظامی «محسوس» در ایران کنونی و سابق، از اعتماد مردم نسبت به رفتارهای اخلاقی برخوردار نبوده، آن وقت چه انتظاری از نیروی «نامحسوس» که پاسخ‌گویی آنان در برابر مردم نامشخص است، داریم؟ بسیار محتمل است، اختلافات شخصی و خرده جنایت‌هایی در این گزارش‌ها، مستقر گردد و زندگی شهروندان، امنیت و آرامش آنان را به مخاطره اندازد. نمونه‌های اخیر رفتارها و برخورد خشونت بار مردم با گشت نامحسوس حکایت از تشدید سوءظن، نفاق، دشمنی و خشونت دارد، که همه این‌ها ضرباتی مهلک بر اعتماد عمومی، سقوط اخلاقیات و بروز تنش‌های اجتماعی است.

۱۵ تیر ماه ۱۴۰۱، ابراهیم رئیسی در آغاز جلسه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی دبیرخانه این شورا را موظف کرد که با همکاری همه دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی و اجرایی قانون مصوب مجلس و قانون سال ۱۳۸۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی درمورد حجاب را اجرایی کنند. رئیس‌جمهور، ترویج فساد در جامعه اسلامی و انقلابی را اقدامی سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی‌شده دانست که با هدف تضعیف و تخریب پایگاه معنوی و ارزش‌های دینی با سرمایه‌گذاری کلان استکبار و دشمنان ملت ایران صورت می‌گیرد.

با توجه به این کارنامه سیاه و غیرانسانی می‌توان گفت، که محدودیت‌های قانونی به‌عنوان مختلف به شکل خشونت باری، آن هم از مجاری قانونی، بر اساس ایدئولوژی خاصی از همان ابتدای انقلاب تا به امروز گام به گام در حال شکل‌گیری و تدوین بوده است. ناگفته پیداست، که این محدودیت‌ها، مصادیق بارز تحمیل فشار فیزیکی و مالی بر زنان و نقض حقوق شهروندی آنان است که همواره با مقاومت شگفت‌انگیزشان روبرو بوده است.

مجلس شورای اسلامی، اقرار کرده است که «۷۰ درصد زنان ایرانی به حجاب اجباری اعتقاد ندارند و بدحجاب محسوب می‌شوند.» حجاب اجباری از طریق نیروهای انتظامی و «گشت‌های ارشاد» همواره به زنان تحمیل می‌گردد. «گشت‌های ارشاد» زنانی را که از رعایت حجاب اجباری خودداری کنند و یا به نظر آن‌ها بدحجاب باشند، به شدت مجازات می‌کنند.

۸ مهر ۱۳۹۵، حسین اشتری، فرمانده نیروی انتظامی، در همایش دادستان‌های سراسر کشور در مشهد گفت: «در تهران و برخی از استان‌ها روزانه ۲ هزار نفر از افرادی که پوشش نامناسب دارند دستگیر می‌شوند.» اشتری افزود: در موضوع ناهنجاری پوشش و رفتار نامتعارف پیشنهادهایی در زمینه محرومیت اجتماعی و محرومیت از خدمات جمهوری اسلامی را مطرح کردیم. (خبرگزاری حکومتی تسنیم، ۸ مهر ۱۳۹۵)

تاکنون روزی نبود که «گشت ارشاد»، ارگان‌های سرکوب‌گر و گروه‌های متجاوز و جنایت‌کار علیه زنان کشور اعمال نکنند. در زیر به چند نمونه آشکار از تبهکاری‌های حاکمان زن‌ستیز ایران اشاره می‌گردد.



طی دو هفته، اخبار اسیدپاشی به زنان در اصفهان و شایعات درباره حملات مشابه در شهرهای دیگر یکی از مهمترین خبرهایی بوده که نه تنها صفحه اول روزنامه‌ها، بلکه یک از مهمترین اتفاقات در حوزه تهدید جانی در جامعه ایرانی به شمار می‌رود. در این‌که چه کسی چنین اقدامات غیرانسانی را مرتکب شده هیچ اطلاعاتی در دست نیست اما همه نگاه‌ها به یک سوی حاکمیت و نهادهای وابسته به آن ختم می‌شود و آن مجموعه‌ای از افراد، نهادها و سیاست‌های دولتی است که به دنبال ماه‌ها انتقاد پیاپی از وضعیت حجاب زنان، به تحریک و سازمان‌دهی افراد و گروه‌هایی برای برخورد با کسانی که از روایت رسمی برای پوشش استفاده نمی‌کنند پرداختند تا به این ترتیب تحرکی عمل برای کنترل وضعیت حجاب در شهرهای بزرگ انجام دهند.

۲۴ مهر ماه ۱۳۹۳، خبرگزاری ایسنا اولین خبر در این زمینه را منتشر کرد. این خبرگزاری با اشاره به حمله‌ای که در خیابان مهرداد اصفهان صورت گرفته بود، نوشته بود: «این حادثه زمانی اتفاق افتاد که از چندی پیش تاکنون در شبکه‌های اجتماعی مطالبی با محتوای اسیدپاشی به زنان بی‌حجاب در اصفهان منتشر می‌شود اما مشخص نیست که آیا حادثه شب‌گذشته ارتباطی با این مطالب داشته است یا خیر؟»

فضل‌الله کفیل، فرماندار اصفهان ضمن تکذیب تعداد زیاد این حمله‌ها، در پاسخ به این پرسش که «آیا علت اسیدپاشی‌ها در اصفهان می‌تواند مربوط به مطالب منتشر شده مبنی بر اسیدپاشی بر زنان بدحجاب باشد یا خیر؟» گفته بود: «یکی از خانم‌ها که مورد اسید پاشی قرار گرفته متأهل است و احتمال دارد این حادثه مربوط به اختلافات شخصی باشد.»

بلافاصله پس از انتشار این خبر، ارتباط حوادث اصفهان با موضوع «بدحجابی» قربانیان مورد توجه قرار گرفت. یکی از کاربران خبرگزاری ایسنا زیر همان خبر نوشته بود: «برای کارهای ساده مردم مجرم‌اند و دستگیر می‌شوند و اگر اسید بپاشند بر دیگران آزادند و آزاد خواهند ماند. اگر بی‌حجابی زنان این قدر تحریک‌آمیز است آقایان بفرمایند بنشینند خانه. این چه ایمانی است که با موی بیرون زنان چنین به خطر می‌افتد.» کاربر دیگری نوشت: «این دلواپسان از دین فقط حجاب را بلد هستند... تا اسم بورسیه و اختلاس و دزدی می‌اد، دین داری یادشون می‌ره.»

روز شنبه ۲۶ مهر، در اولین روز کاری هفته، روزنامه هفت صبح چاپ تهران در گزارشی از حوادث اصفهان نوشت: «اسیدپاشی در اصفهان در حالی ادامه دارد که از دو ماه پیش در شبکه‌های اجتماعی پیامکی با مضمون جلوگیری از بدحجابی تنها راه نجات زاینده رود از خشک شدن است، گویی به گویی در بین جوانان اصفهانی دست به دست می‌چرخید. منبع ارسال این پیامک دلهره آور اعلام کرده بود گروهی که هدفشان نجات شهر از بی‌حجابی و کفر است بر خود واجب می‌دانند تا به مبارزه با بدحجابی و جلوگیری از خشکسالی بپردازند.»

حجت‌الاسلام محمدتقی رهبر درباره اظهارات منسوب به او مبنی بر این‌که «امر به معروف و نهی از منکر باید از تذکر لسانی فراتر برود» هم تأکید داشت: «من نگفتم که تذکر فراتر از لسانی باشد، گفتیم آن‌چه وظیفه یک مسلمان است تذکری ناصحانه، مشفقانه و مودبانه است. اگر قرار باشد برخوردی صورت بگیرد باید به صورت قانونی باشد و دستگاه قضایی و نیروی انتظامی چنین مسأله‌ای را پیگیری کنند تا کسی خودسرانه وارد این گود نشود. این اقدامات خودسرانه به هیچ وجه صحیح نیست.»

پس از آن رسانه‌های وابسته به حکومت، تلاش کردند که ارتباط فجایع اصفهان با موضوع امر به معروف و نهی از منکر و همچنین مسأله بدحجابی را نادیده بگیرند.

کیهان روز ۲۸ مهرماه، در گزارشی با عنوان «اسیدپاشی به چهره حجاب موج‌سواری ضد انقلاب» که تی‌تر اول این روزنامه هم شده بود، نوشت: «در این هیاهو اصل موضوع، یعنی آسیب دیدن چند انسان بی‌گناه، عملاً به بوته فراموشی سپرده و موضوع تازه‌ای پیش کشیده شد. موضوعی که آشکارا حکایت از یک سناریو داشت! سناریوی پیوند عاملان حادثه اسیدپاشی با حامیان حجاب و عفاف در جامعه! این سناریو آنقدر برای بانیان آن مهم و ارزشمند بود که نه تنها سلامت قربانیان حادثه را فراموش کردند، بلکه حاضر شدند برای آن آبروی آن‌ها را هم به بدترین شکل ممکن مخدوش کنند و آن‌ها را انسان‌هایی لایبالی و بی‌قید نسبت به حجاب و مقدسات نشان دهند!» کیهان تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی و روزنامه‌هایی را که «زنجیره‌ای» نامید، متهم دانسته بود.

روزنامه جوان وابسته به سپاه پاسداران نیز در یادداشتی با عنوان «اسید پاشی به چهره انقلابی‌ها!» هدف از «فضا سازی جهت دار» در این حوادث را «تخریب نیروهای مومن و انقلابی» دانست. این روزنامه نوشته بود: «رسانه‌های ضد انقلاب در مطالب و گزارش‌هایی، «هجوم حزب‌اللهی‌ها به زنان بدحجاب در اصفهان» را برجسته کرده و حوادث اینچنینی را نتیجه مستقیم طرح حمایت از آمران به معروف در مجلس اصولگرا عنوان کرده و یک بازی پیچیده را علیه نظام، منتدین و مجلس به راه انداختند. با یک جست‌وجوی ساده تاریخی در طول سال‌های حاکمیت دوم خرداد، می‌توان موارد مشابهی را پیدا کرد که در آن تئوریسین‌های این جناح با «پرونده سازی» و «اتهام افکنی» تلاش می‌کنند جناح مومن و انقلابی جامعه را به چالش کشیده و آن‌ها را «خشونت طلب»، «اقتدارگرا» و «تمامیت خواه» نام‌گذاری کنند.»

این روزنامه، «مقابله با قوانین اسلامی- اخلاقی» را یکی دیگر از اهداف این فضا سازی دانسته بود، چرا که «این طیف بارها نسبت به احکام اسلامی نظیر «قصاص در اسلام»، «تفاوت شهادت زن و مرد در محاکم قضایی»، «قرار دادن موادی در قانون مجازات اسلامی جهت برخورد با بدحجابی» و «تذکر لسانی و قانونی نسبت به هنجارشکنان اجتماعی» واکنش تند نشان داده و آن‌ها را نشانگر ارتجاع حاکمیت می‌دانستند.»

همزمان با این روزنامه‌ها، حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای، سخنگوی قوه قضاییه هم اعلام کرد که اسیدپاشی در اصفهان به دلیل بدحجابی نبوده است. او تأکید داشت: «تاکنون تأیید نشده است که این اقدامات به علت بی‌حجابی افراد صورت گیرد چرا که با توجه به ارتباطاتی که با این افراد گرفته شده است این افراد جزو بی‌حجاب‌ها نبوده‌اند.» انگار اگر چنین اتفاق ترازیکی برای افرادی که او «بدحجاب» می‌نامید رخ می‌داد، تفاوتی در اصل ماجرا وجود داشت.

روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله روز ۲۹ مهرماه خود نوشت: «بعضی زبان‌ها و قلم‌ها همواره در حال ترویج فرهنگ خودسری هستند. قضاوت‌های خودسرانه درباره موضوعات مختلف و صادر کردن احکام مرگ و زندان و شلاق و تکفیر و ارتداد برای این و آن توسط افرادی که نه در منصب قضا هستند و نه مسئولیتی درباره موضوعاتی که درباره آن‌ها سخن می‌گویند و می‌نویسند برعهده دارند، بسیار خطرناک است. این غیرمسئولانه سخن گفتن‌ها و

غیرکارشناسانه نوشتن‌ها، عده‌ای را به اقدامات خودسرانه تشویق می‌کند.» این روزنامه اضافه کرده بود: «شاید این افراد، ذاتاً اهل اقدامات خلاف نباشند ولی آن اظهارنظرها، آن سخنان و آن نوشته‌ها آن‌ها را به این راه انحرافی می‌کشاند زیرا احساس وظیفه دینی می‌کنند که مرتکب چنین اقداماتی بشوند درحالی که دین از این قبیل امور مبرا و حتی بیزار است.»

در اواسط دهه هفتاد، حجت‌الاسلام پروازی، از روحانیون نزدیک به انصار حزب‌الله که بعدها از این گروه جدا شد، طی یک افشاگری بی‌سابقه، اشاره‌ای کوتاه هم به موضوع اسید پاشی به زنان بی‌حجاب در سال‌های آغازین استقرار حکومت اسلامی کرده است. او درباره یکی از سران انصار حزب‌الله می‌گوید: «من مدت‌ها با این‌ها بودم. چندسال قبل مسائل امر به معروف و نهی از منکر را مطرح می‌کردند. عبداللهی که یک چشم‌اش را در جنگ از دست داده اصرار می‌کرد که مرا هم به دنبال خودشان بکشاند، اما من وقتی فهمیدم او به زن‌ها اسید پاشیده، بسیار ناراحت شدم و او خودش موضوع را فهمید و در رفت.»

آیت‌الله سیدحسین موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب نیز آن روزها در گفت‌وگویی به روند اجباری شدن حجاب هم پرداخته و گفته است: «اواخر سال ۱۳۶۰ که بنده دادستان کل انقلاب بودم صحبتی در میان مسئولین شد؛ در جلسه‌ای که آیت‌الله هاشمی، مهندس میرحسین موسوی و بنده و سایر مسئولین سپاه بودند پیشنهادی در مورد مساله حجاب مورد بررسی قرار گرفت؛ به‌طور مثال قرار شد آیت‌الله هاشمی در خطبه‌های نماز جمعه در خصوص حجاب برای مردم صحبت کند و بنده هم اطلاعیه‌ای بدهم؛ بر این مبنا که چون بی‌حجابی مظهري از رضاشاه بوده افراد بایبند به احترام انقلاب حجاب خود را رعایت کنند. البته در آن زمان آقای لاجوردی دادستان انقلاب تهران بود و یک گشت مبارزه با منکرات راه انداخت که موقتی بود و تنها به تذکر ختم می‌شد و در آن زندان و شلاق وجود نداشت.»

او اضافه کرد: «البته در تبریز در سال ۱۳۵۹ یک عده جوان نزد شهید مدنی رفته بودند و یک اجازه لفظی از وی گرفته بودند که تا اقدامات و تحرکاتی را در خیابان‌ها بر علیه بی‌حجابی انجام دهند و متأسفانه تندروی کردند و مثلاً گاهی به صورت بی‌حجاب‌ها رنگ می‌پاشیدند.» او همچنین گفته است: «حفظ حجاب زنان بالاخره در سال ۶۱ با گفتار آیت الله هاشمی و بنده و سایر دوستان بدون زور و اجبار عملیاتی شد.»

پیش از واقعه دلخراش اصفهان هم گروه‌های مذهبی به‌صورت «خودجوش؟!» به قتل و جرح زنان پرداخته و آنان را متهم به نقض احکام مذهبی کرده‌اند. در سال‌های گذشته موارد متعددی از این حوادث در رسانه‌های عمومی هم منتشر شده است.

برای نمونه، شهریور ۱۳۸۱، چند تن از اعضای پایگاه بسیج «علی‌اصغر مولا» در کرمان، تعدادی از شهروندان کرمانی را به‌صورتی سازمان‌دهی شده به قتل رساندند. این افراد عضو فعال بسیج و سپاه پاسداران بودند و یکی از آنان فرمانده پایگاه مقاومت بسیج واقع در میدان ارگ کرمان بود. آن‌ها معتقد بودند که مقتولان «مهدورالدم» بوده و برای اصلاح جامعه باید کشته شوند. قاتلان با وجود اعتراف به انجام این قتل‌ها، بارها در دادگاه‌های مختلفی که تشکیل شد، تبرئه شدند.

مطابق ماده ۲۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ «قتل نفس در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعاً مستحق کشتن نباشد و اگر مستحق قتل باشد قاتل باید استحقاق قتل او را طبق موازین در دادگاه اثبات کند.» و طبق تبصره ۲ ماده ۲۹۵: «در صورتی که شخصی کسی را به اعتقاد قصاص یا به اعتقاد مهدور الدم بودن بکشد و این امر بر دادگاه ثابت شود و بعداً معلوم گردد که مجنی علیه مورد قصاص و یا مهدور الدم نبوده است قتل به منزله خطاء شبیه عمد است و اگر ادعای خود را در مورد مهدور الدم بودن مقتول به اثبات برساند قصاص و دیه از او ساقط

است.» با استناد به همین قوانین است که جنایت‌کاران مذهبی وابسته یا نزدیک به حکومت از محکومیت قضایی می‌گریزند.

محسن عامری وکیل مدافع یکی از متهمان قتل‌های کرمان، که بعدها سرپرست بسیج کانون وکلای دادگستری مرکز شد، در دفاعیات خود از متهمان نوشته بود: «سابقه و شخصیت مثبت متهمان و استخاره‌ها و دعا‌های قبل و بعد از انجام اقدامات یاد شده، نشان‌دهنده انگیزه آن‌ها از بزه‌های ارتكابی و عقیده آن‌ها به مهدورالدم بودن مقتولین است و انگیزه دیگری در این باره وجود ندارد. بنابراین مستند به تبصره دو ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی و تحریرالوسیله حضرت امام، قتل شبه عمد محسوب می‌شود. به نوشته آیت‌الله خمینی، همین قدر که قاتل اعتقاد به مهدورالدم بودن مقتول نماید، کافی است و لازم نیست که این موضوع را نزد حاکم ثابت کند.»

او در بخش دیگری از دفاعیاتش فاش کرد: «فصل‌الختم بحث این‌که، طبق ابلاغیه دفتر مقام معظم رهبری در موارد احکام قصاص صادره از محاکم، در مورد ماموران و بسیجیانی که در مقام انجام وظیفه شرعی یا اعتقاد به مهدورالدم یا تحت عنوان نهی از منکر مرتکب قتل عمدی شده یا می‌شوند، مقرر فرموده‌اند هر مورد از این قبیل با تکیه بر جهتی که شایسته است موجب تبدیل قصاص به دیه شود.»

در میان قربانیان این محفل جنایت‌کار، چند تن از زنان کرمان هم بودند که از دیدگاه قاتلان متهم به «فساد اخلاقی» شده بودند. یکی از متهمان در اعترافات خود درباره یکی از این قتل‌ها گفته بود: «مقتول زنی به نام جمیله بود که او هم خرید و فروش مواد مخدر می‌کرد و فساد اخلاقی داشت. از آنجایی که این زن ازدواج هم کرده بود، پس از ربودن وی، او را خفه نکردیم بلکه چاله بی‌کندیم و با روش سنگسار او را به قتل رساندیم، بعد جسد این زن را به بیابان‌های اطراف کرمان بردیم و در آنجا انداختیم تا طعمه حیوانات شود.»

آن‌ها همچنین گفته بودند: «به ما گفته بودند که محمدرضا نژادملایری و شهره نیک‌پور دختر و پسر فاسدی هستند که با هم ارتباط نامشروع دارند و به همین خاطر آن‌ها را هنگامی که سوار خودروی پژوی محمدرضا بودند شناسایی کردیم و بعد از اینکه جلویشان را در جاده گرفتیم آن‌ها را به چاله پر از آب هفت باغ بردیم و هر دو را در آنجا خفه کردیم. بعد اجسادشان را داخل پژو گذاشتیم و به بیابان بردیم و پس از آنکه اجساد را به بیرون انداختیم ماشین پژو را به آتش کشیدیم و موبایل محمدرضا را برداشتیم. ما نمی‌دانستیم شهره و محمدرضا زن و شوهر هستند و فکر می‌کردیم با هم رابطه نامشروع دارند.»

بر اساس اخبار منتشر شده قاتلان در داگاه حاضر به اظهار پشیمانی نبودند: «سال ۱۳۸۳ زمانی که حمزه مصطفوی در کنار پنج متهم دیگر پرونده در جایگاه متهم ایستاده بود، سرافراز بود. خانواده اولیای دم می‌گفتند که وی هنوز هم معتقد است که مجاهدی در راه خداست.» و «رفتار متهم مغرورانه و متکبرانه بود و در طول مراحل رسیدگی به پرونده، موضع ایشان بیشتر تحکم‌آمیز بود. حتی این شخص در جلسه دادگاه می‌گفت که قتل‌ها را مرتکب شده‌ام، ولی از اولیای دم عذرخواهی نمی‌کنم.»

قتل‌های کرمان که بر اساس برخی روایت‌ها هجده نفر در آن ماجرا به قتل رسیده بود، تنها یکی از اقدامات نیروهای مذهبی برای اجرای احکام فقهی است.

در خرداد ماه سال ۱۳۹۰ خبری منتشر شد که بر اساس آن گروهی از اوباش به یک مراسم عروسی حمله کرده و به‌صورت گروهی به زنان تجاوز کرده بودند. امام جمعه خمینی شهر در واکنش به این حادثه گفته بود: «این‌ها(کسانی که به آن‌ها تعرض صورت گرفته) آدم‌های علیه‌السلامی نبودند.»، رییس پلیس آگاهی اصفهان تاکید داشت: «آن‌ها (مهمانان) اگر لباس مناسب داشتند شاید این‌طوری نمی‌شد.» و محسنی اژه‌ای، سخنگوی قوه قضاییه هم معتقد بود: «به

خانواده‌ها سفارش می‌کنیم تا اقداماتی که موجب خدشه‌دار شدن عفت عمومی می‌شود، انجام ندهند. برخی از تعرضات به دلیل کوتاهی‌های اولیه است.»

سعید حنایی در آخرین گفت‌وگویش اعلام کرد که «با کشتن زنان خیابانی، ماموریتی مقدس را برعهده گرفته و ناحیه اطراف حرم مقدس در مشهد را از آلودگی پاک کرده است.»

یکی دیگر از پرونده‌های فاش شده در این زمینه مربوط به قتل نزدیک به شانزده زن و دختر مشهدی توسط فردی به نام سعید حنایی است که از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۰ اتفاق افتاد. او بدون ابراز ندامت از جنایت خود گفته بود که «با کشتن این زنان، فرمان خدا را اجرا می‌کرده است.» سعید حنایی در آخرین گفتگوی‌اش اعلام کرد که «با کشتن زنان خیابانی، ماموریتی مقدس را برعهده گرفته و ناحیه اطراف حرم مقدس در مشهد را از آلودگی پاک کرده است.»

در مراسم اعدام او هیچ یک از اعضای خانواده قربانیان حضور نداشتند و برخلاف رویه حکومت اسلامی که چنین مراسمی را در ملاءعام اجرا می‌کند، حکم سعید حنایی در حیاط زندان مشهد انجام شد. به همین دلیل هنوز هم شایعاتی درباره انجام نشدن حکم اعدام وجود دارد. بر اساس فیلم مستندی که مازیار بهاری بعدها درباره سعید حنایی تدوین کرد، گروهی از جریان‌های تندرو مذهبی، هنوز هم از اقدامات وی حمایت کرده و او را قهرمان خود می‌دانند.

به جز جنایت‌هایی که با بهانه‌های مذهبی انجام می‌شود، حتی در حوادث مشابهی که به نظر می‌رسد گروه‌های مذهبی تندرو دخالت مستقیم نداشته‌اند، تریبون‌های رسمی در ایران به جای قاتلان و جنایتکاران، قربانیان این گونه حوادث را ملامت می‌کنند.

سال ۱۳۸۵، حجت‌الاسلام سیدمهدی طباطبایی عضو فراکسیون اصول‌گرایان مجلس هشتم به کسانی که حاضر نیستند حجاب را رعایت کنند، توصیه کرده بود که «از کشور بیرون روند چون در کشور اسلامی مثل ایران جایی برای آن‌ها نیست.» به مرور این توصیه‌ها لحن شدیدتری گرفت.

در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۰، آیت‌الله سیداحمد خاتمی در جلسه‌ای با طلاب قم گفته بود: «بعضی می‌رسد دیگر با کار فرهنگی نمی‌توان جلوی بدحجابی در جامعه را گرفت و فکر می‌کنم برای حل این مسأله باید خون‌های پاکی ریخته شود تا این معضل از جامعه ما ریشه کن شود.»

در آذرماه همان سال حجت‌الاسلام سیدیوسف طباطبایی‌نژاد نیز اعلام کرد: «برای مقابله با بدحجابی باید چوب‌تر را بالا برد و از نیروی قهریه استفاده کرد.» او گفته بود: «برخی معتقد هستند قوه قهری در جامعه لازم نیست و باید از باب فرهنگ وارد شد، اما با نصیحت تنها نمی‌توان کاری کرد. امر به معروف و نهی از منکر هم زمان قدیم به صورت افرادی به نام محتسب بوده است که شلاق به دست بوده است.»

در آذرماه سال ۱۳۹۲، سرلشکر سید حسن فیروزآبادی در مراسم هفته بسیج گفت: «حجاب و عفاف، از عنوان صرفاً یک پوشش برای زنان مسلمان خارج شده و به صورت یک سمبل اسلام‌خواهی و مقابله با غرب در آمده است.» او اضافه کرده بود: «اگر زمانی، مانند زمان فتنه ۸۸، بی‌حجابی و بی‌عفتی با هدایت شبکه‌های ماهواره‌ای و ضد انقلاب و به صورت سازمان یافته به منظور مخدوش کردن چهره انقلاب صورت می‌گیرد در این حالت موضوع امنیتی می‌شود و نهادهای امنیتی باید به وظیفه خود عمل کنند و با فعالیت‌های سازمان یافته ضد انقلاب برخورد شود.»

غلامعلی حداد عادل، از نزدیکان سببی آیت‌الله خامنه‌ای و نماینده راست گرای مجلس در یک برنامه تلویزیونی گفت: «باید بعد از سی و پنج سال نگاهی به گذشته بیندازیم، یکی از مسائل اصلی نظام ما مسأله حجاب است، امروز وضعیت ما با ابتدای انقلاب تفاوت بسیاری کرده است، تجربه بسیاری پیدا کرده و واقعیات و تجارب زیادی به دست آورده‌ایم و باید بنشینیم از خودمان بپرسیم مشکل در عرصه حجاب چیست.» او معتقد بود: «دین بدحجابی در جامعه

کار دشواری نیست، احساس ما این است که مثل روز که شب می‌شود، آرام‌آرام وضعیت حجاب هر سال بدتر می‌شود و گویی پله پله به پایین می‌رویم و برای این باید تدبیر و چاره اندیشی کرد.»

این اظهارات تنها گوشه‌ای از سخنان مسئولان حکومتی درباره حجاب زنان در سال‌های اخیر است. در کنار این سخنان باید اقدامات نیروی انتظامی در سرکوب علنی زنان که به بهانه بدحجابی و تحت عنوان «طرح ارتقای امنیت اجتماعی» و گشت ارشاد انجام می‌شد را هم اضافه کرد.

در آذرماه سال ۱۳۹۲، سرلشکر محمدعلی جعفری، فرمانده سپاه پاسداران طی سخنانی فاش کرد که آیت‌الله خامنه‌ای برخورد با بدحجابی را به نیروی انتظامی سپرده است. او در پاسخ به سوال یکی از بسیجیان که «چرا سپاه در بحث عفاف و حجاب اقداماتی را انجام نمی‌دهد» گفته بود: «در مقابله با بدحجابی و موضوع عفاف و حجاب سپاه و بسیج بنا به تدبیر مقام معظم رهبری منع شده‌اند به خصوص از اقدامات سلبی، کاری که ما بلدیم کار سلبی است، البته ۴ تا ۵ سال است که در جلسه ایجابی وارد شدیم که کار بسیار سختی است مقابله با پدیده بی‌حجابی کار بسیار سختی است، فعلاً کار به نیروی انتظامی سپرده شده است.» او اضافه کرده بود: «حضرت آقا نظرات جزئی و ریزی دارند که در قالب طرح صالحین و طرح امر به معروف و نهی از منکر زیر نظر حضرت آقا به جلو می‌رود و باید کمی صبر بکنیم.» برخورد‌های جنایتکارانه با زنان و اسیدپاشی‌های اخیر را نیز نمی‌تواند بی‌ارتباط با این موضوع دانست.

در مهرماه سال ۱۳۹۴، جامعه ایران شاهد اقدامات جنایتکارانه گروه‌های بسیجی و فشا و لباس شخصی، از اسیدپاشی‌های سازمان‌یافته تا مواردی از قمه‌کشی علیه زنان، برای تحمیل حجاب اجباری بود. عدم پیگرد «قانونی» این جنایتکاران، به آن‌ها بیش از پیش شجاعت بخشید و اسیدپاشی علیه زنان را به موضوعی رایج تبدیل کرد. در مقابل هر زنی و مردی که به این قوانین وحشیانه اعتراض کرد به زندان افکنده شد.

۲۵ مرداد ۱۳۹۸، «کمیسیارای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد» با انتشار بیانیه‌ای، با محکوم کردن حکم ۵۵ سال زندان برای سه فعال حقوق زنان در ایران، نوشت: سه زن معترض به حجاب اجباری، به جرم عدم رعایت حجاب، به ۵۵ سال و ۶ ماه حبس محکوم شدند.

در ۹ آبان ۱۳۹۸، دادگاه انقلاب تهران، یاسمن آریانی، منیره عربشاهی و مژگان کشاورز را که همگی از حق برخورداری از وکیل محروم بودند، به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» به ۵ سال، به اتهام «نشر اکاذیب علیه نظام» به یک سال و به اتهام «زمینه‌سازی و تشویق برای فساد و فحشا» به ۱۰ سال زندان محکوم کرد. مژگان کشاورز علاوه بر این احکام، به‌خاطر «توهین به مقدسات» به ۷ سال و نیم زندان محکوم شد.

یکی دیگر از رفتارهای ارتجاعی و زن‌ستیزانه حکومت اسلامی، که با فرهنگ حاکمیت دینی همخوانی دارد، ازدواج‌های اجباری و زود هنگام دختران در ایران است. در ایران دختران می‌توانند در سن ۱۳ سالگی به ازدواج در آیند. پدران قانوناً اجازه دارند دختران خود را در سن ۹ سالگی با تأیید قاضی به ازدواج در آورند.

مجلس حکومت اسلامی، در سال ۱۳۹۷، لایحه پیشنهادی برای بالا بردن سن ازدواج دختران به ۱۶ سال را به بهانه محتوای «ضد شرع و عرف اجتماعی» و «مغایرت با تعالیم اسلام» رد کرد. این نوع از خشونت علیه زنان در ایران، کودکان را آسیب‌پذیر کرده است و این حقیقت ناگوار در برابر همگان به شکلی عریان به نمایش می‌گذارد که تحت حکومت نمایندگان خدا در ایران، حتی دخترچه‌ها نیز از تعرض متجاوزان در امام نیستند.

آخرین تبهکاری حاکمان قداربند جامعه، علیه زنان معترض به حجاب اجباری پیش از مرگ مهسا امینی، علیه سپیده رشنو انجام گرفت. او در پی اعتراض به حجاب اجباری و مقاومت در برابر دخالت‌های یکی از زنان ستاد امر به

معروف، به نام رایحه ربیعی به نوع پوشش‌اش، دستگیر شد و پس از شکنجه‌های بسیار وادار به اعتراف تلویزیونی در صدا و سیمای ج.ا. گردید.

خشونت‌های خانگی و قتل‌های ناموسی، مجازات‌های بی‌رحمانه‌ای همچون اعدام، شلاق و سایر «احکام دینی» دیگر، سویه‌های دیگر خشونت جاری علیه زنان در ایران است.

با وجود تصویب اجباری شدن حجاب، این مساله هیچ‌گاه در ایران به سرانجام مورد نظر حکومت منجر نشد و زنان حاضر به پذیرش کامل حجاب به آن شکلی که توسط دستگاه‌های حکومتی دیکته می‌شد نبودند. به همین دلیل بود که فشارها و تهدیدهای رسمی و غیر رسمی روز به روز گسترش یافت.

اکنون یکی از اعتراضات خشمگینانه زنان برداشتن روسری و سوزاندن آن‌ها در خیابان‌هاست. تصاویر و ویدئوهای منتشر شده از ایران همچنان حکایت از این دارد که بسیاری از زنان با حجاب اجباری مخالف‌اند و شال و روسری تحمیلی را از سر برمی‌دارند. وزیر کشور در واکنش به انتشار این تصاویر در شبکه‌های اجتماعی، کشف حجاب کنندگان را وابسته به جریان‌های خارج کشور دانسته که آن را راه مقابله با اسلام و نظام اسلامی قرار داده‌اند.

سرکوب سیستماتیک زنان و عدم آزادی و بیکاری گسترده در میان جوانان و به کارگیری افراد غیرمتخصص و رانت‌گیر در جایگاه‌های مدیریتی باعث از بین رفتن امید به آینده در میان دختران و پسران جوان گشته و برآیند آن انباشت خشم و افسردگی است. اینگونه است که جوانان ایرانی در تونل وحشتی به نام آینده قرار گرفته‌اند.

بر اساس آمارهای پزشکی قانونی در سال ۱۳۹۹، به‌طور میانگین روزانه ۱۵ نفر در ایران جان خود را بر اثر خودکشی از دست داده‌اند.

نزدیک به ۴۴ سال است که حکومت اسلامی با تشکیل کمیته و گشت‌هایی مانند (جندالله، انصار و ارشاد) و سازمان‌های تبلیغات اسلامی سعی کرده با بدحجابی مبارزه کند و خواسته زنان را که حجاب اختیاری است، سرکوب کند. در همین مسیر صدها میلیارد تومان هزینه و فعالین زنان را سرکوب و زندانی کرده است. با این حال هیچ‌گاه نتوانسته جلوی این اعتراضات را بگیرد و در طول این سال‌ها همیشه شکست خورده است.

بی‌گمان حق مسلم هر انسانی است که چه لباسی و چه مدلی انتخاب کند و بپوشد و یا نپوشد به‌همین دلیل، هیچ دولتی حق ندارد در ابتدایی‌ترین حقوق زنان، یعنی نوع پوشش آنان دخالت کند حال این دولت نظامی - ناسیونالیست رضاخان باشد و چه حکومت نظامی - اسلامی باشد.

در هر صورت اکنون پیام مردم انقلابی و در پیشاپیش همه زنان جوان، صریح و روشن این است: حکومت اسلامی باید برود و جامعه نوینی ساخته شود که در آن کمترین تبعیضی بین زن و مرد نباشد. مهم‌تر از همه، باید آزادی‌های فردی و جمعی تامین گردد و همه شهروندان بدون توجه به جنسیت و ملیت و افکار سیاسی و باورهای مذهبی، باید همه از امکان برابر در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برخوردار گردند!

یکشنبه هشتم آبان - عقرب - ۱۴۰۱ - سیام اکتوبر ۲۰۲۲